

تلویزیون سال هاست که عنصری جدا

ناپذیر از فضای خانه ها شده است.

انسان هایی که از درون آن به بیرون از

چهارچوب رویاهای شان می روند. در برخی

تماشای بیش از حد تلویزیون، تبدیل به

خوگیری افسارگسیخته ای شده است.



نقدی بر یکی از ساخته های

«دارن آرنوفسکی» در روزهای خانه نشینی

حاصل از کرونا و وقت گذرانی با تلویزیون



سامیه طهوریان - خبرنگار

info@sobhesahel.com

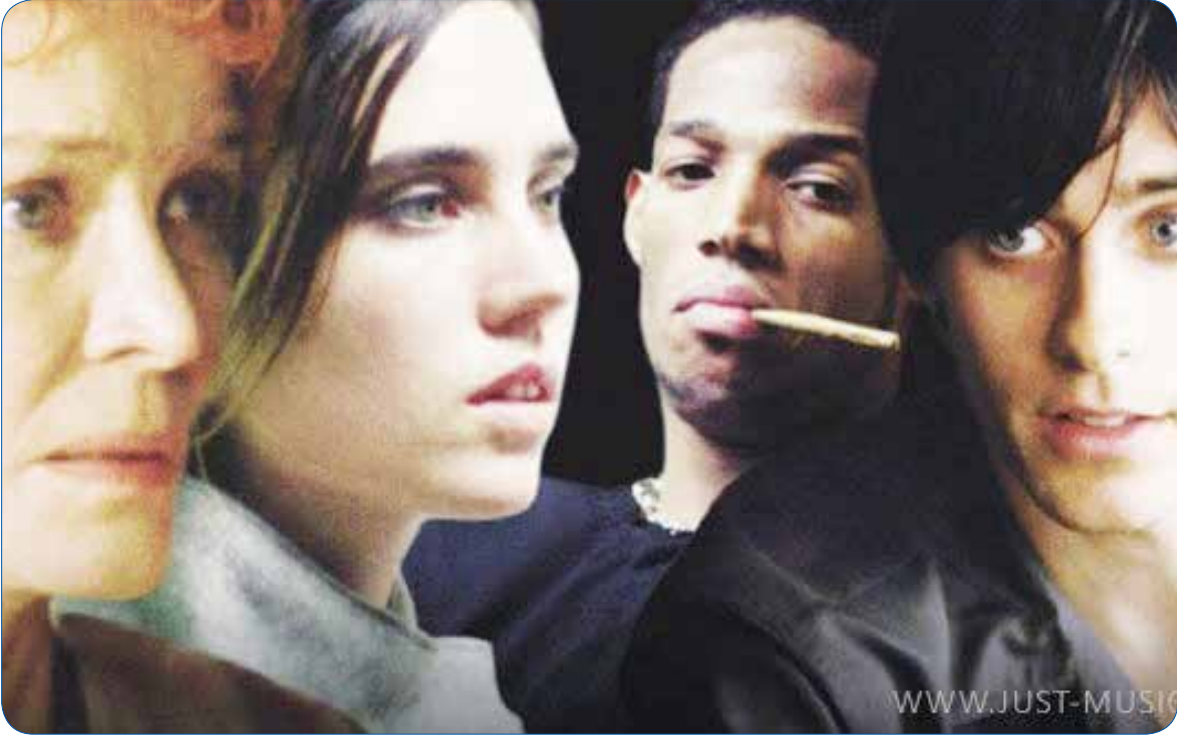
◆ گروه هنری //

■ مرثیه ای برای یک رویا ■

تلویزیون سال هاست که عنصری جدا ناپذیر از فضای خانه ها شده است. انسان هایی که از درون آن به بیرون از چهارچوب رویاهای شان می روند. در برخی تماشای بیش از حد تلویزیون، تبدیل به خوگیری افسارگسیخته ای شده است. در این روزها که کرونا اکثر ما را از فضای واقعی و تبادل با دنیای بیرون دور کرده است، برخی بیش از حد به

■ داستانی چند وجهی و ساختار شکن ■

دارن آرنوفسکی ۵۱ ساله، کارگردان، فیلم نامه نویس و تهیه کننده آمریکایی است که با ساخت فیلم های روان شناختانه که دارای مضامین فراواقع گرایی و دراماتیک هستند به شهرت رسیده است. مرثیه



برای یک رؤیا را در سال ۲۰۰۰ به روی پرده سینما برد و توانست در بین سینماگران جایی برای خود پیدا کند. فیلم مادر نیز آخرین ساخته او است که با انتقاد مثبت و منفی بسیاری مواجه است. در واقع فیلم های آرنوفسکی به شدت دو پهلو است. مثبت و منفی او به یک اندازه است. در مورد مرثیه ای برای یک رؤیا اما، نقدهای مثبت توانست بیش از منفی شود و در همان سال اکران به شهرت جهانی برسد. آرنوفسکی بیشتر سعی می کند با صحنه های اضطراب آور و تصاویری گیج کننده به درون ذهن ما قدم بگذارد و از درون ذهن خود قهرمان با بیننده ارتباط برقرار می کند به نوعی که بیننده صدا های ذهن قهرمان را نیز با تمام وجود احساس می کند.

کلوز آپ یا نما های بسته در فیلم هایش محور اصلی نمایش هستند.

او در مرثیه ای برای یک رؤیا تصاویری از درون سه گروه از افراد را نشان داد. سه گروه در دو نسل و از دو جنس. دو پسر، یک دختر و یک مادر. هر سه گروه اسیر اعتیاد می شوند و در نهایت برای این عمل خود نیز ضربهایی جبران ناپذیر می پذیرند و در داغ رویاهایشان می مانند.

ساختار و بدنه آثار دارن آرنوفسکی به صورت

به تلویزیون اعتیاد دارد. انسان های بی شماری هستند که چه رویاها و هزینه هایی که به خاطر همین سرخوشی، قهرمان خیالی وهم زاد پنداری موقتی با شخصیت های فیلم ها پوچ از دست نداده است. خود فیلم مرثیه ای برای یک رؤیا را می توان در چند کلمه بیان کرد؛ کوبنده، تأثیرگذار و تلخ. این فیلم چه شاهکار باشد یا نه قطعاً درگیری های ذهنی بعد از تماشای آن برای ما ایجاد خواهد کرد.

آرنوفسکی توانسته است در این فیلم از زاویه جامعه آمریکا، دید کلی به برخی مسائل برای ما ارائه کند. در نتیجه موضوع فیلم مرثیه برای یک رؤیا مختص جامعه آمریکا نیست. از این زاویه، مرثیه ای برای یک رؤیا یک فیلم جهانی است.

نویسنده، فیلم را بر چهار محور استوار کرده است: تلویزیون، رژیم غذایی، مواد مخدر و مشکلات مالی. داستان ابتدا روی تلویزیون و مواد مخدر شروع می شود. کارگردان به خوبی مسائلی چون مشکل مالی را به مواد مخدر ربط می دهد. ماریون (معشوقه هری) به روانشناس اش اجازه می دهد از او سوء استفاده جنسی کند.

چون به پول احتیاج دارد. و می خواهد مواد خریداری کند. پس بحران مالی به واسطه مسئله

مواد مخدر یا سایر وابستگی ها به وجود می آید که

انتشار «بخشنده ستارگان» جو جو مویز

رمان «بخشنده ستارگان» نوشته جو جو مویز با ترجمه مریم مفتاحی منتشر شد. به گزارش ایسنا، این کتاب در ۵۶ صفحه با شمارگان ۱۱۰ نسخه و قیمت ۶۵ هزار تومان توسط نشر آموث منتشر شده است. نوشته پشت جلد کتاب: «بخشنده ی ستارگان» از زنانی می گوید که می دانند فقط باید به خود تکیه کنند و روی پای خود بایستند، زنان قهرمانی که با شور و حال و عشق خود در برابر جامعه مردسالار می ایستند و کوتاه نمی آیند و می کوشند به حقوقی برابر دست یابند. آن ها به حقارت تن نمی دهند و می کوشند دوشادوش مردان قدم بردارند و به جایگاه واقعی خود برسند. این زنان قهرمان راه خود را در زندگی می یابند و بی آن که مرد را از زندگی خود حذف کنند یا با آن ها ستیزه جویی داشته باشند، به استقلال فکری می رسند و در اوج خودباوری و برابری طلبی دل به مردها می بندند و می دانند برای رسیدن به تکامل می بایست راه عشق ورزی در پیش گیرند.

جو جو مویز

متولد ۱۹۶۹ لندن. روزنامه نگار انگلیسی که از سال ۲۰۲ شروع به نوشتن رمان های عاشقانه کرد. او نویسنده ای است که دو بار برنده جایزه رمان سال عاشقانه شده است و آثارش به اغلب زبان های زنده دنیا ترجمه شده اند.



قرص های رژیمی می آورد، افراد ناآگاه جامعه هم همواره تحت تأثیر حرف های یکی دو نفر خواهند بود. به همین دلیل است که حکومت های دیکتاتوری از آگاهی مردم می ترسند و از آن جلوگیری می کنند. آن ها از ناآگاهی ملتشان استفاده می کنند. مرثیه ای برای یک رؤیا جامعه ای را به تصویر می کشد که در آن انسان تا حد ابزار پایین آمده و همه روابط مکانیکی شده اند.

وقتی سارا پس از آغاز تأثیر دردناک قرص ها، نزد دکتر می رود، دکتر بدون این که حتی نگاهی به او بیندازد، می پرسد: “وزنت خوبه؟” و سارا پاسخ می دهد: “وزنم خوبه، خودم خوب نیستم». در انتها فیلم مرثیه ای برای یک رؤیا با ضرب آهنگ تند خود همراه با موسیقی فوق العاده و فیلم برداری مدرن خود

در مرثیه ای برای یک رؤیا تصاویری از درون

سه گروه از افراد را نشان داد. سه گروه در

دو نسل و از دو جنس. دو پسر، یک دختر و

یک مادر. هر سه گروه اسیر اعتیاد می شوند

و در نهایت برای این عمل خود نیز ضربهایی

جبران ناپذیر می پذیرند و در داغ رویاهایشان

می مانند

توانسته تأثیر خود را بر بیننده و از جمله بر خود من بگذارد. موسیقی این فیلم را کلینت منسل ساخته که قطعه اصلی آن با نام LUX AETERNA شهرت جهانی یافته است. در انتهای فیلم، زندگی هر چهار نفر از هم می پاشد. شرایطشان به جایی می رسد که هیچ کدام توانایی بازگشت به زندگی عادی را ندارند.

تایرون در رویایش مادرش را در آغوش می کشد.

هری عشق و احساس ماریون را در کنار خود می بیند و همینطور ماریون بی سرانجام و آسیب دیده در رویاهایش با هری است. سارا خود، هری و ماریون را خوشحال و سالم در نمایش تلویزیونی مورد علاقه اش می بیند و آنها شروع به هم آغوشی با رویاهایشان می کنند این یعنی همان مرثیه ای برای یک رؤیا. رویاهایی که به درستی درک نشدند. آرنوفسکی انتهای از دست دادن رویاهایی که ذره ذره بشریت را در خود می پیچاند را به عالی به تصویر می کشد. بی حرمت شدن وکالایی شدن ماریون که کمالگرایی بسیاری داشت. تایرون که در نهایت به بیگاری نزد کسانی تن سپرد که او را کاکا سیاه خواندند، هری که در این میان دستان و ماریون را از دست داد. سارایی که به اسکلتی بی جان شبیه شده بود. فیلم ابعاد فراطری از مسائل رویاهای ساده دارد. او برده داری و جنسیت زدگی و نژادپرستی را با هم ادغام می کند و تا سکانس های آخر فربهای رنگارنگ تلویزیون هستند که همچنان قربانی خود را در آغوش می گیرد.